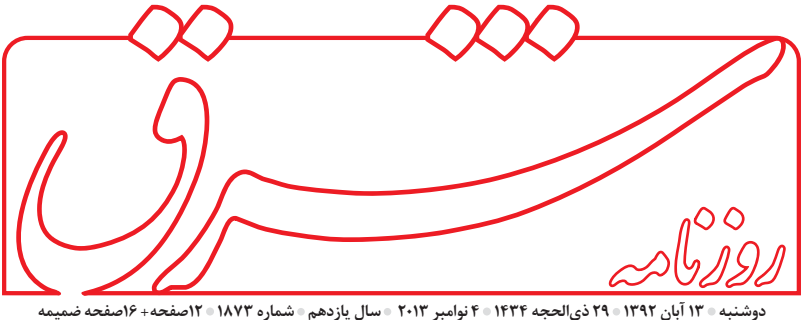




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشدیا، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۲-۸۸۶۵۴۳۹ نامبر: ۰۲۱۹-۸۸۸۰۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۰۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۰۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌پرژ تلفن: ۰۵-۶۶۷۹۵۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۴۸ اذان مغرب ۱۷:۲۵ اذان صبح فردا ۵:۰۵ طلوع آفتاب ۶:۳۰



دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۲ ۲۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۴ ۴ نوامبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۷۲ صفحه ۱۶+صفحه ضمیمه

بازیگران، مجمع عمومی بر گزار کردند

شرق:روند بازیگشایی خانه سینما با برپایی مجمع عمومی انجمن‌های خانه سینما ادامه دارد. بازیگران سینمای ایران نیز گرد آمدند تا شورای جدید مرکزی انجمن خود را انتخاب کنند.علی دهکردی، مریلا زارعی، آتیلا پسیانی، امین تارخ، رامبد جوان، افسانه چهرآزاد و حبیب رضایی اعضای اصلی شورای مرکزی و فاطمه گودرزی به‌عنوان بازرس انتخاب شدند. همچنین فریا کوثری، داریوش اسدزاده، ترانه علی‌دوستی، شهره لرسناتی و رضا فیاضی، به‌عنوان اعضای علی‌البدل برگزیده شدند.



دکتر شما هم؟



یوریا عالمی

● دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان تهران گفت: تحصیلات نیمی از معترضان دیپلم به‌بالاست.

تا همین چندوقت پیش برخی از مسوولان دولتی هم دیپلم به‌بالا (البته مجهز به انواع دکترای فوتوشاپی) داشتند. چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟

الف- نتیجه‌ای نمی‌گیریم.

ب- تحصیلات مهم نیست. آشنا مهم است.

دیالوگ:

دکتر؟ شما هم؟ واقعا توقع نداشتیم.

- چی‌چی‌رو من هم؟

با توجه به اینکه دبیر شورای هماهنگی مبارزه با موادمخدر استان تهران گفته تحصیلات نیمی از معترضان دیپلم به‌بالاست، شما هم که دکتری آدم خب تکک برش می‌داره که شما هم بله.

راهکار مبارزه با اعتیاد

با توجه به اینکه نصف معترضان دیپلم به‌بالا دارند، پیشنهاد می‌کنیم سقف تحصیلات را تا دیپلم در نظر بگیریم. اگر مردم زیر دیپلم داشته باشند نصف نصف معترضان کم می‌شود.

دکه

«زبان و تفکر» در اطلاعات حکمت و معرفت منتشر شد



● منشا سخن چیست؟

آیا همه انسان‌ها به یک زبان می‌اندیشند؟ انسان چگونه به وسیله زبان ارتباط می‌گیرد؟ اینها و بسیاری مباحث دیگر، موضوع شماره اخیر مجله اطلاعات حکمت

و معرفت را به خود اختصاص داده است. پرونده دیگر اطلاعات حکمت و معرفت، که به موضوع «زبان و تفکر» اختصاص دارد، دربردارنده مقالاتی از واکنا تورس گروری، پیتتر استاکول، گیلبرت هارمن، دکتر انشاءالله رحمتی و سیدمسعود رضوی است. عنوان شماری از مقالات این ماه اطلاعات حکمت و معرفت چنین است: در بخش دفتر ماه «ظهور آگاهی و روح» گفت‌وگو با سیاوش جمادی به کوشش منیره پنج‌تنی، «زبان خصوصی» به قلم غلامرضا حسین‌پور، «ماهیت زبان و ارتباط در نخستین‌ها» نوشته محمدمهدی میرلو، «هایدگر و زبان سنتی و زبان تکنولوژی» نوشته واکنا تورس گرگوری به ترجمه حسین کاظمی‌یزدی، «بافت میلوتنی و احساس خولدن» به نگارش پیتتر استاکول و ترجمه محیاسادات اصغری و «فروشن دیویدسون به فلسفه زبان» به قلم گیلبرت هارمن و ترجمه مرتضی میاشری. در بخش ادب و هنر «نقش زبان در ظرفیت تفسیری‌تری متن» گفت‌وگو با رامین آموخته به کوشش پویان پروین‌اردییلی و «تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی (بخش سوم و پایانی)» به قلم حمید بزدان‌پرست. در بخش اندیشه و نظر- «اخلاق کلت» نوشته مارک لی‌بار و ترجمه انشاءالله رحمتی، «معرفت‌شناسی علمی، اخلاقی و دینی (بخش دوم و پایانی)» نگاشته رابرت آدی به ترجمه سزگان احمدپورآردجانی و «حکم فقهی اعمال طریقتی و تجربه‌های عرفانی از منظر شاطبی» به نگارش سید رحیمیان. در بخش کتاب «چراغ نظم در» نوشته سیدمسعود رضوی، «الهیات سیاسی» گفت‌وگو با لیلا چمن‌خواه به کوشش منیره پنج‌تنی، «معرفی کتاب خارجی» به قلم کیان رضوی و بخش گزارش اطلاعات حکمت و معرفت، در روزنامه‌فروشی‌ها و کتابفروشی‌های معتبر در دسترس و قابل تهیه است. موضوع شماره بعدی مجله، مرگ‌اندیشی (۲) خواهد بود.

دختر عزیزم گلناز – داماد مهر بانم پرویز

وقتی که به مهرورزی شما انگرم فراموش

می‌کنم که هوا پاییزی است ، بر می‌خیزم

تا پنجره‌ها را به روی باغ همیشه بهارمهر

و دوستی تان بگشایم.

سپاس می‌گویم مهر بی‌دریغتان را

دل‌های عاشقتان آسمانی‌باد

مادر تان: آرزو نامافی



نازنین جمشیدی

nana.jamshidi@gmail.com

کارتون خواب

سند فاز دوم پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی امضا شد



فراموش‌شدگان تاتار

بچه محله ری



افسانه شفيعی

چندی پیش نمایشنامه‌ای به نام «تشيع» به دستم رسید که خواندنش بسیار لذت‌بخش بود و سبک و سیاق نوشته، چنان ایزورد که در «انتظار گودو» را به یاد می‌آورد. این نمایشنامه برنده جایزه جشن هنر در سال ۵۰ بود. هر چه گشتم نام و نشانی از نویسنده‌اش شاگردان ساکت، زنگ تفریح تمام شد، شاگردان فهم زمان‌ها را به یاد می‌آوردم. پیدان نشد. بعدها فهمیدم او یکی از قصه‌نویسان دهه ۴۰ است و طنزهای زیادی برای مجلات فکاهی نوشته است. «تشيع» روایت سسه مردی است که خود را برای اجباری تشيع آماده

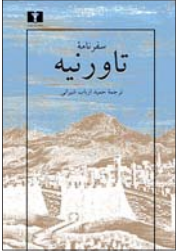
می‌کنند. آنها در مسیر حرکت، با آدم‌ها و اتفاقات زیادی روبه‌رو می‌شوند. آرام آرام حسنگی بر آنها غلبه می‌کند و راه برایشان تکراری و بی‌په‌وده می‌نماید. در نهایت متوجه می‌شويم آنها به مراسم تشيع جنازه خود می‌پیش‌روند. در این نمایش کل زندگی به یک مراسم تشيع جنازه کسل‌کننده تشبيه شده است. با وجود تلخی نگاه، طنز نوشته آن را خواندنی کرده است. طنز تلخی با شوخ‌طبعی‌های همچون «ساموئل بکت» بعدها دو نمایشنامه شادی‌آور دیگری به نام «عجيب‌السلطنه» و «هفت خیارشاهانه» به نویسندگی علی بهروزنسب به دستم رسید که با نگاهی به شیوه نمایش‌های تخته‌حوضی نوشته شده بود. با اینکه نمایشنامه در سال ۸۲ منتشر شده بود اما نثر نویسنده رنگ و بویی از نمایشنامه‌های امروزی نداشت و بیشتر یادآور نویسندگان دهه‌های ۴۰ و ۵۰ بود. نام نویسنده برآیم غریب و ناآشنا می‌آمد، تا اینکه متوجه شدم او نویسنده نمایشنامه تشيع است. علی بهروزنسب فعالیت خود را در دهه ۴۰ آغاز کرد. دانش‌آموخته دانشکده هنرهای دراماتیک است. حدود ۷۰ قصه طنز با نام‌های «بنده خدا» و «بچه محله ری» برای مجلات فکاهی نوشته است. مدتی سردبیر مجله «درنگ» بود. اولین نمایشنامه وی «بیمو» نام دارد که در قومن به صحنه می‌رود. نمایشنامه «بازهر» با قصه‌ای طنز از تلویزیون ملی آن سال‌ها اکران می‌شود. سپس نمایشنامه «نردبان» در سال ۴۷ توسط داریوش مودیان برای تلویزیون کارگردانی و اکران می‌شود. در سال ۴۸ نمایش «خلق الاسان من»- را می‌نویسد که این نمایشنامه نیز برای

برداشت آخر

حمید ارباب‌شیرانی، مترجم «سفرنامه تاورنیه» در گذشت

ضیاء موحد: بسیار اهل مطالعه بود

شرق:حمیدارباب‌شیرانی، مترجم «سفرنامه تاورنیه» به دلیل مشکلات ربوی در اصفهان درگذشت. حمیدارباب‌شیرانی، برادر سعید ارباب‌شیرانی، مترجم «تاریخ نقد جدید» اثر رنه ولک است که به گفته مرحوم سعید ارباب‌شیرانی در آماده‌سازی و انتخاب و ترجمه این کتاب کمک بسیاری به او کرده است. حمید ارباب‌شیرانی از علاقه‌مندان به ادبیات بود که با اعضای جنگ اصفهان، به‌ویژه ابوالحسن نجفی، رحیم اخوت و ضیاء موحد دوستی و ارتباط نزدیکی داشت. چنان‌که در مقاله‌ای درباره ابوالحسن نجفی می‌نویسد: باید اقرار کنم که جهت‌گیری من و جمع کوچک دوستانم در خواندن و شناختن آثار خوب



خارجی بیشتر از طریق راهنمایی و توصیه‌های ابوالحسن بود. ارباب‌شیرانی همچنین آثار مهمی از ادبیات جهان را ویرایش کرده که از این میان می‌توان به «سرخ و سیاه» استانتال (ترجمه عبدالله توکل، نشر نیلوفر) اشاره کرد و البته اثری از امیل زولا که هنوز منتشر نشده است. ضیاء موحد، از دوستان نزدیک حمید ارباب‌شیرانی او را انسانی منزوی اما خوش‌مصاحبت می‌داند و می‌گوید: «در دبیرستان هم‌دوره‌ای ابوالحسن نجفی بود و با هم بسیار نزدیک بودند. آقای نجفی به ترجمه و تحصیل در زبان فرانسه پرداخت و ارباب‌شیرانی به پزشکی روی آورد. قدیم‌ها در کار سیاست بود اما بعدها به کلی کنار کشید. در روزگار جوانی شعر می‌گفت؛ بیشتر شعرهای سیاسی. اما آخرین شعرهایش به اشعار مولوی نزدیک‌تر بود. ام‌وحید معتقد است، حمید ارباب‌شیرانی از مطلع‌ترین افراد به تاریخ، جغرافیا و مسایل

می‌رسد انگور

پیر سدکیس



محمد صالح عا

عاشق بقی‌س واد دل‌اش مان‌دخ و رش‌ی‌س رداست که عاشق بقی‌س واد پای‌اش و راه‌اش‌ی‌ک‌ی‌است پیروند دل‌اش پرت‌رانه بود، ولی سواد نداشت و در حسرت آن می‌سوخت. اهل بیابان می‌گفتند کسی که از دورها آمده بسود او را شناخته به ایشانش گفته عمری پیش‌تر در یک روز پاییزی آسمان ابری در بیابان رعدوبرقی می‌زد با چنان غرشی و صدای مهیبی که ابرها از ترس به آغوش هم پناه می‌برند. یک‌روز بیلان می‌ریزد و او در غنچه‌ول جوانی خیس می‌شود، همان روز بیلان بند می‌آید و بیلبان را قوس‌و‌قزح می‌گیرد، پیر خیس‌شده بی‌گدار با به درون رنگین‌کمان سفر می‌گذارد و به‌وقوس‌و‌قزحی می‌گردد. از آن پس در هر فصل سال به یک رنگ در می‌آید. بهار رویش‌سبز، خرداد چمن‌سبز، دهن‌اش‌سبز، دشت‌ش‌سبز، پای‌اش‌سبز و تابستان رویش‌سرخ، مویش‌سرخ، دهانش‌سرخ، حرف‌هایش‌سرخ، همه جای‌اش‌سرخ می‌گفتند پیر سدکیس از سپیده تا ظهر هیزم می‌چیند، ظهر که می‌رسد با چک‌های آب دست می‌شوید و سفر می‌اندازد. سفرهای از کتان سفید را از آلودگی‌ای که هم سریند سال به هر روزان و هم بقیچه است، ناراش را که می‌خورد خرده‌های نان را برای گنجشک‌ها می‌تکاند و بعد همان سفره را چنان‌مازی می‌کند، عصر همیشه را با طابلی می‌بندد. روی کول می‌گذارد و غلام‌آبادی می‌شود. گنجشک‌ها در لابه‌لای هیزم‌های روی دست‌جمعی از لابه‌لای هیزم‌ها پر می‌کنند، دور سر او چرخ می‌زنند، خودشان را در آسمان می‌کشند، دوباره روی هیزم‌ها می‌نشینند و جیک‌جیک می‌کنند. همه اشتیاق پیر سدکیس رسیدن به جایی سر راه آبادی است. عمارتی آهکی با گنبدی فیروزه‌ای که زیر گنبد جای درس استاد فتحه است. استاد فتحه روی سکوی سنگی می‌نشیند و به شاگردان جوان درس می‌دهد، پیر سدکیس به مدرس که می‌رسد با اشتیاق می‌ایستد. کپه‌های هیزم را روی زمین می‌گذارد و به گنجشک‌های بازیگوش آهسته‌آهسته می‌گوید: شما زودتر به خانه بروید من اینجا می‌مانم و به درس استاد فتحه گوش می‌کنم. بعد به بازار می‌روم و از آنجا به خانه برمی‌گردم، گنجشک‌ها پر می‌زنند و می‌روند. پیر سدکیس سرش را روی دیوار آهکی کنار پنجره میکشاند و می‌گذارد و آن وقت صدای استاد فتحه و شاگردان مثل شربتی از شیره همه انگورهای جهان در جان‌اش می‌ریزد، که برای او سواد مثل شقایق کوه‌ای لا‌رودر، هاست، هنگامی که می‌شنود استاد فتحه از رابطه عاشق و معشوق می‌گوید در دل‌اش شرکاب می‌شود، که عشق در حوزه فلسفه مضاف است، استاد فتحه می‌گوید: شاگردان، اگر سفرای من ادراکی باشد اما کبرای‌ام شهودی، این کبرای من ممکن است برای من کبری باشد ولی برای شما صغری باشد. شاگردان ما در پی اعتبار کردن عقل نیستیم اما عشق ساختی دارد که خودبه‌خود عقل را بی‌اعتبار می‌کند. پیر سدکیس میان درس استاد فتحه آهی می‌کشد و با خود می‌گوید: سواد و لا‌راپشت خصوصی من هستند، که سواد بی‌عشق چمنی است، سواد بی‌عشق چهلی هراسناک است و باز با اشتیاق سر بر دیوار

مخبرالدوله

کتاب‌های ممنوعه دنیا

● هر چند وقت یک‌بار می‌توان اسامی کتاب‌هایی که در طول مدت انتشار خود عنوان «ممنوعه» را پرخود داشته‌اند، مرور کرد و از آن شگفت‌زده شد. در طول این سال‌ها برخی اسامی به فهرست کتاب‌های قبلی اضافه می‌شود. در بین آثار کلاسیک هم تعداد این کتاب‌ها زیاد است. هر ساله فهرستی از کتاب‌های ممنوعه و پرچالش جهان تهیه می‌شود. در آخرین فهرستی که صد عنوان را دربر گرفته، اسامی رمان‌های کلاسیکی نظیر گتسبی بزرگ، نوشته اسکات فیتز‌جرالد، دلبند، نوشته تونی موریسون، اولیس، نوشته جیمز جویس در ابتدای این فهرست قرار دارند.